

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال پانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۳ / بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۱۱۵-۱۳۰ (مقاله پژوهشی)

مصادیق جدید روابط نامشروع غیر از زنا و مجازات آن در فقه اسلامی و حقوق ایران و افغانستان

• عبدالسبحان صدیقی

عضو کادر علمی دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، دانشکده آموزش و پرورش، مؤسسه تحصیلات عالی
سمنگان، ایبک، افغانستان (نویسنده مسئول)

subhansaddiq1@gmail.com

• حامد رستمی نجف آبادی

استادیار گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه مذاهب اسلامی

h.rostami1365@gmail.com

• حجت اله ابراهیمیان

استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

hojjat49@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

رابطه نامشروع غیر از زنا، از دیدگاه عموم فقهای مذاهب اسلامی حرام است و همچنین از نظر قوانین ایران و افغانستان جرم پنداشته شده است و مجازات آن را تعزیر دانسته‌اند. از نظر فقهی رابطه نامشروع غیر از زنا عبارت از رابطه‌ای است که میان مرد و زن برخلاف شرع و قانون صورت می‌گیرد و مستلزم کیفر نیز می‌باشد، در صورتی که به حد دخول نرسد و گرنه زنا محسوب می‌شود. همچنین از نظر قانون هرگاه میان زن و مردی که علقه زوجیت وجود نداشته باشد، رابطه خلاف عرف برقرار شود، رابطه نامشروع گفته می‌شود. باید در نظر داشت که مصادیق روابط نامشروع غیر از زنا حصری نیست، بلکه تمثیلی می‌باشد. برخی از عناوین مجرمانه رایج امروزی، نه در کتب فقهی مذاهب اسلامی و نه در قوانین موجود (قانون مجازات اسلامی ایران و کود جزا افغانستان) مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین نوشتار حاضر در پی آن است که مصادیق جدید و قدیم رابطه نامشروع غیر از زنا را شناسایی نموده و با توجه به مبانی فقهی حقوقی و متفاوت بودن جرم، جزاهای تعزیری آنها را به صورت تطبیقی از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان بیان نماید.

کلیدواژه‌ها: رابطه نامشروع غیر از زنا، فقه مذاهب اسلامی، نامحرم، حقوق ایران، حقوق افغانستان.





مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید که از طبیات و حلال خدا بهره‌مند شوید و از هر چیز مشروع استفاده کنید. خدایی که ما را آفریده، دفترچه راهنمایی به نام دین و اسلام به ما اعطا فرموده که در آن، نوع رابطه زنان و مردان را توضیح داده است. گاهی رابطه‌ها از مجرای قانونی و شرعی خود خارج می‌شود. متأسفانه یکی از معضلاتی که جامعه امروزی را فراگرفته است، دوستیهای نامشروع بین جوانان است که سبب از بین رفتن حجب و حیا در بقیه جوانان می‌گردد و نیز این جریان انحرافی در جامعه عادی می‌شود و دیگران از آن الگو برداری می‌کنند.

رابطه نامشروع میان زن و مرد مسلمان چیزی است که بنا، کیان و بقای خانواده را تهدید نموده و موجب اشاعه منکرات و مفسده‌های اجتماعی در جامعه انسانی و اسلامی می‌شود. مجازات رابطه‌های نامشروع (غیر از زنا) از نظر فقهی مذاهب اسلامی متناسب با جرم، مورد اختلاف است و جزایهای تعزیری را برای آنها پیش‌بینی نموده‌اند. مصادیق جدید جرم رابطه نامشروع (غیر از زنا) که در متون فقهی از قبیل تفخیز، تقبیل، مضاجعه و غیره تصریح شده است، حصری نبوده، بلکه با توجه به مصادیق جدید (مثل چت در محیط مجازی و...)، می‌توان جنبه‌ای تمثیلی و مصداقی داد و قضات در موارد مشابه می‌توانند شخصاً اظهار نظر یا حتی متهم را به مجازاتهای متعدد طبق قانون محکوم کنند. در این تحقیق سعی گردیده است، تا با شناخت کامل صوری و محتوایی و توصیف نمودهای عینی روابط نامشروع در عصر حاضر براساس مبانی فقهی و حقوقی ایران و افغانستان، احکام فقهی آن بیان شود.

مفهوم شناسی رابطه نامشروع

خداوند متعال نسبت به رابطه نامشروع بسیار حساس و جدی است؛ زیرا مبدأ و منشأ فساد و فحشا در جامعه است. چنانچه پیامبر(ص) می‌فرماید: «أَلَا لَأَ

يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ تَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ»^۱ «بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی‌کند، جز آنکه سومی آنها شیطان است». رابطه‌ها از نگاه کردن به نامحرم شروع می‌شود و به بالاترین حد آن، که زنا است، ختم می‌شود.

۱) تعریف لغوی

اصطلاح «ارتباط نامشروع» از سه جزء تشکیل شده است: کلمه «ارتباط» به معنای ربط دادن، بستن، بر بستن، پیوستن، پیوستگی و بستگی می‌باشد.^۲ کلمه «نا» هم پیشوند نفی است که در اول کلمه می‌آید و معنی آن را تغییر می‌دهد مثل نادرست یا ناپسند.^۳ «مشروع» نیز به معنای چیزی است که مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند.^۴ همچنین شرع یعنی طریقه و روش و آیینی که خداوند برای بندگانش روشن و آشکار ساخته است و در متون دینی به معنای اسلام است.^۵

رابطه نامشروع غیر از زنا لفظ عام و مطلق است که می‌تواند در موارد متعددی مصداق داشته باشد؛ یعنی هرگونه برقراری ارتباط و پیوستگی که خارج از محدوده شرعی روابط میان زن و مرد تعریف شده باشد، رابطه نامشروع و رابطه خلاف شرع گفته می‌شود.

۲) تعریف اصطلاحی

رابطه نامشروع عبارت از رابطه‌ای است که میان مرد و زن برخلاف شرع و قانون صورت می‌گیرد و مستلزم کیفر نیز می‌باشد، در صورتی که به حد دخول نرسد و گرنه زنا محسوب می‌شود. تفاوت نمی‌کند که آن رابطه به شکل مستمر باشد یا نباشد، مثل مس، تفخیز و بوسیدن. این عنوان عام در فقه نبوده، بلکه ذیل عناوین خاص گفته می‌شود.^۶ ممکن است استمتاع

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. فرهنگ عمید، ص ۲۴۹.

۳. همان، ص ۱۱۲۴.

۴. همان، ص ۱۱۹۰.

۵. همان، ص ۱۳۸.

۶. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، صص ۲۲۶۰ و ۲۲۶۱.

به مادون فرج معادل واژه بالا باشد.

به طور کلی گفته می‌شود که لفظ رابطه نامشروع متأثر از مبانی اعتقادی و اخلاق اسلامی، و ناظر به برقراری ارتباط جسمی و لفظی است، به نحوی که زنی یا مردی در محل کار خود با شخص دیگری رابطه دوستی پیدا کند، یا با او به جاهایی همچون سفر، سینما و محافل غیررسمی برود که در نتیجه منجر به اعمال نامشروع شود. همچنین گفته می‌شود که مکالمات تلفنی (هرزه گویی)، رد و بدل کردن الفاظ عاشقانه و حرفهای محبت آمیز، گردش در پارکها و خیابانها، و غیره ممکن است رابطه نامشروع تلقی شوند. طرفین رابطه نامشروع می‌توانند همجنس یا مرد و زن باشند.^۷

۳) تعریف قانونی

براساس قانون هرگاه میان زن و مردی که علقه زوجیت وجود نداشته باشد، رابطه خلاف عرف برقرار شود، رابطه نامشروع گفته می‌شود. اگر رابطه میان مرد و زنی که سن قانونی؛ یعنی بلوغ را طی کرده‌اند، از طریق شرعی؛ یعنی جاری شدن صیغه نباشد، رابطه نامشروع است. ممکن است این رابطه از طریق شبکه‌های مجازی (چت کردن)، یا کافی شاپها، یا قدم زدن در پارکها و یا غیره، صورت گیرد. از تعریف فوق نتیجه گرفته می‌شود که اولاً؛ رابطه نامشروع یک ارتباط دوطرفه است که با عنف و اکراه و به میل دوطرف قابل تحقق است. ثانیاً؛ این جرم میان افراد نامحرم و اقوام محرم همانند عروس، پدر، برادر و خواهر قابل تصور است. ثالثاً؛ حتماً باید با قصد التذاذ جنسی باشد. رابعاً؛ ارتباط نامشروع ممکن است بدون تماس جسمی باشد. خامساً؛ فرقی میان تأهل و مجرد افراد مرتکب وجود ندارد.

در قانون مجازات اسلامی افغانستان موسوم به کود جزا نیز آمده است: هرگاه مرد و زنی که میان آن دو علقه زوجیت وجود نداشته باشد، عمل منافی عفت (غیر از زنا) از قبیل تقبیل، مضاجعه، معانقه و معاشقه

۷. حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، ص ۵۴۶.

۴) رابطه نامشروع در قرآن

خداوند متعال از نزدیک شدن به کارهای زشت و فاحشه منع می‌کند که همگی به رابطه نامشروع برمی‌گردد: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».^۸ در تفسیر معارف القرآن، آمده است: خداوند در این آیه حرمت بی‌عفتی را بیان نموده است. «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ»؛ یعنی به هر نوع بی‌عفتی نزدیک نشوید، چه آنها آشکار باشند و چه مخفی. فواحش جمع فاحشه است. الفاظ فحش، فحشا و فاحشه همه مصدرند که در اردو به بی‌حیایی و در فارسی به بی‌عفتی ترجمه می‌شوند. در اصطلاح قرآن و حدیث، این الفاظ بر هر کار بدی اطلاق می‌گردند.^۹ در قرآن کریم، در موارد متعدد نسبت به کلمه فحش و فحشا ممانعت وارد شده است. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۱۰} و «حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ».^{۱۱}

در این مفهوم عام، فحش و فحشا همه در گناههای بزرگ داخلند، چه به اقوال، چه به افعال، چه به ظاهر و چه به باطن و قلب متعلق باشند، و شامل همه کارهای بی‌عفتی و بدکاری هم می‌شود. در این آیه، از نزدیک شدن به فواحش نهی شده است. اگر معنی آن طبق مفهوم عام، در نظر گرفته شود، شامل همه خصایل بد و گناهها می‌شود، چه به زبان، چه به دست و پا، و چه به قلب متعلق باشند، و اگر معنی آن

۸. انعام، ۱۵۱.

۹. تفسیر معارف القرآن، ج ۵، ص ۲۴۷.

۱۰. نحل، ۹۰.

۱۱. اعراف، ۳۳.





بی‌عفتی مشهور بین عوام باشد، مراد از آن بی‌عفتی و همه اسباب و مقدمات آن خواهد بود. فاحشه به معنای کار بسیار زشت و شنیع است. خداوند متعال در کلام خود زنا و نسبت زنا به مردان و زنان پاکدامن را از مصادیق فاحشه برشمرده و از ظاهر کلام برمی‌آید که مراد از فاحشه ظاهری، گناه علنی و مقصود از فاحشه باطنی، گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن در پنهان است.^{۱۲} منظور از گناه آشکار، زنا است و منظور از گناه پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است، اما ذکر این موارد به عنوان بیان یک مصداق روشن است، نه اینکه منحصر به همین موارد بوده باشد.^{۱۳}

۵) خصایص جرم رابطه نامشروع

رابطه نامشروع، جزء جرایم مستمر می‌باشد؛ زیرا مصادیق این جرم، افعالی است که در طول زمان مستدام بوده و ادامه دارد و مبین قصد مجرمانه دوام دار می‌باشد. البته رابطه نامشروع، جرمی است که میان دو طرف انجام می‌پذیرد و اکراه در این جرم، جایگاهی ندارد و تا زمانی که طرفین رضایت نداشته باشند، امکان تحقق این جرم وجود ندارد. این نوع جرایم از ترکیب چند عمل تشکیل نمی‌گردد، بلکه با یک نوع عمل، قابل تحقق بوده و نیز تحقق یا عدم تحقق نتیجه مجرمانه که همانا لذت بردن جنسی است، تأثیری در خود جرم ندارد.

۶) ضابطه تشخیص رابطه نامشروع

درک مفاهیم عفت و اخلاق به تبعیت از فرهنگ و ارزشهای والای حاکم در جامعه شکل می‌پذیرد. البته در جامعه‌های متفاوت در طول تاریخ، حسب زمان و مکان متغیر بوده است. احترام و پایبندی به مدار و معیارهای اخلاقی نیز توسط افراد جامعه به لحاظ سن، جنس، طبقه اقتصادی و اجتماعی، محیط شهری و روستایی و ... تفاوت دارد. بر این اساس، اعمال

ضد عفت و ارزشهای اخلاقی به نسبت الگوهای حاکم، مختلف بوده و دارای اعتبار نسبی هستند.^{۱۴} بنابراین ارتباط نامشروع، یک امر نسبی است که با سطح افکار، عقاید، آداب و رسوم، و اخلاقیات مردم هر جامعه رابطه مستقیم دارد. در نتیجه امکان دارد که ارتکاب اعمالی مانند در آغوش کشیدن زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت وجود ندارد، در بعضی از کشورهای اروپایی عمل منافی عفت محسوب نگردد.^{۱۵} اما مرتکب شدن این قبیل اعمال، از نظر شریعت مقدس اسلام و به تبع آن در جوامع اسلامی، عمل منافی عفت شمرده شود؛ زیرا ارتکاب این اعمال با اصول اعتقادی و اخلاقی مسلمانان مغایر است. بر این اساس، باید گفت: ضابطه و معیارهای تشخیص رابطه نامشروع در مرحله اول دین مقدس اسلام و شریعت محمدی، و در مرحله بعدی عرف جامعه اسلامی است. البته در مورد عرف به دو نکته مهم باید توجه کرد:

۱- عرف (حجیت عرف)، نزد فقهای اهل سنت و امامیه مورد اختلاف است. چنانچه علمای اهل سنت عرف را حجت می‌دانند، البته با در نظر داشتن شرایطی که برای آن ذکر کرده‌اند، از جمله: عرف صحیح باشد؛ یعنی با هیچ‌یک از دلایل شرعی یا قاعده اساسی مخالف نباشد. عرف فراگیر یا غالب باشد، بنابراین هرگاه مضطرب باشد؛ به این معنی که در بعضی حالات اجرا شود و در بعضی حالات دیگر ترک گردد، صلاحیت آن را ندارد که به عنوان مصدر کاشف حکم باشد. پیش از انجام کاری که عرف بر آن تطبیق می‌شود و مبنای حکم قرار می‌گیرد، عرف وجود داشته باشد. عرف در احکام عمومی، عام و در احکام خصوصی، خاص باشد.^{۱۶}

اما فقهای امامیه حجیت عرف را به مواردی نظیر تفسیر موضوع و بیان اراده طرفین معامله محدود می‌کنند و

۱۴. نابهنجاری و بزهدکاری کودکان و نوجوانان، ص ۲۶.

۱۵. حقوق جزای اختصاصی، ولیدی، ص ۱۸۸.

۱۶. اصول فقه کاربردی، ص ۶۸.

۱۲. تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۵۷۲.

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۵۹.



در اثبات احکام برای عرف حجیتی قائل نیستند. در مواردی که علمای اهل سنت به عرف استناد کرده‌اند، فقهای امامیه با دلیل دیگری آن را اثبات می‌کنند.^{۱۷} باید خاطر نشان کرد که در فقه شیعه از حیث ادله استنباط احکام، به عرف توجه خاصی نشده و فقط در حد تبیین مفاهیم الفاظ مدنظر قرار گرفته است. برای نمونه، در تعریف شهادت، به صدق عرفی مفهوم آن استناد شده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر امامیه عرف نمی‌تواند قانون‌ساز باشد، اما می‌تواند مدالیل الفاظ مذکور در قانون را روشن کند.^{۱۸}

۷) مفهوم غیر از زنا

در دین مقدس اسلام هرگونه رابطه غیر از زنا میان دو فرد صورت گیرد که از نظر شرع آن رابطه منع شده باشد، رابطه نامشروع غیر از زنا محسوب می‌شود. هر نوع رابطه (خلاف شرع و قانون) میان افراد را دربر می‌گیرد که توسط آیات یا روایات حرمت آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشخص شده باشد. همچنین می‌توان برقراری رابطه جنسی میان مردان و رابطه جنسی میان زنان را به عنوان رابطه نامشروع یاد کرد؛ چون براساس نصوص شرعی منع شده است. از جمله این روابط عبارتند از: مضاجعه، معاقه، ملاسه، مفاکهه، مصافحه، تقبیل و خلوت کردن. ابوهیره (رض) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «کَتَبَ اللَّهُ عَلَىٰ بَنِ آدَمَ حَظَّهُ مِنَ الزَّوْنِ أَدْرَكَ ذَلِكَ لَا مَحَالَةَ: فَرَزَى الْعَيْنُ النَّظْرُ، وَزَنَى اللِّسَانُ النَّطْقُ، وَالنَّفْسُ تَتَمَنَّى ذَلِكَ وَتَشْتَهِي، وَيُصَدِّقُ ذَلِكَ الْفَرْجُ أَوْ يَكْذِبُهُ»^{۱۹} «خداوند برای فرزند آدم بهره‌ای از زنا را نوشته و ناگزیر آن را درک خواهد کرد: پس زنای چشم نگاه کردن است، زنای زبان گفتن است، و نفس تمنا می‌نماید و اشتهای آن را می‌کند و فرج همه را یا تصدیق می‌کند یا تکذیب می‌نماید». بنابراین هرگونه ارتباط غیرجسمی بین زن و مرد که فاقد علقه زوجیت هستند، از دیدگاه اسلام حرام می‌باشد.

از آنجا که ارتباط نامشروع در دین مقدس اسلام و منابع استنباط احکام آن به خصوص روایات نهی شده است، پس نصوص کافی در این مورد وجود دارد. بنابراین استناد به عرف، آن هم عرفی که آمیخته‌ای از فرهنگ اسلام و غرب است، نمی‌تواند ضابطه دقیق و صحیحی برای تعیین رابطه نامشروع باشد، به خصوص اینکه دین مقدس اسلام و شریعت بر فرض حجیت قائل شدن برای عرف، عرفی را که پسندیده و معقول نباشد، نمی‌پذیرد.^{۱۹}

دانشمندان علوم اسلامی در مورد ضابطه اراده جمعی و عمومی افراد جوامع مبنی بر تمایل به برقراری ارتباط

۱۷. حقوق کیفری اسلام، ص ۲۵۸.

۱۸. ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، ص ۳۸.

۱۹. حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۲۶.

۲۰. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۳۴.

۲۱. الإحسان فی تقریب صحیح ابن‌حبان، ج ۱۰، ص ۲۶۸.



عفت و حفاظت از حدود و ثغور آن است. لیکن با بررسی قوانین کیفری مختلف، مشاهده می‌شود که قانون‌گذار در این خصوص، حتی ضابطه و معیار خاصی ارائه نکرده است، تا بر مبنای آن بتوان جرایم منافی عفت را شناخت. در واقع، قانون‌گذار به جای اینکه اعمال منافی عفت را تعریف کند، تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده است، تا تعریف آن مشخص گردد. متأسفانه این عدم ارائه تعریف از این دسته اعمال، موجب تشتت آراء و اختلاف نظر حقوق‌دانان در تعریف این دسته جرایم شده است.

برخی از حقوق‌دانان معتقدند اعمال منافی عفت مختص رفتارهای جنسی است و زیرمجموعه جرایم جنسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال یکی از حقوق‌دانان برجسته در تعریف عفت عمومی می‌گوید: آنچه از امور جنسی که در مقطعی از مقاطع زمان برملا شدن آن باعث ناراحتی عموم گردد که خدشه‌دار کردن آن را جریحه‌دار کردن عفت عمومی گویند. همچنین بیان می‌دارد که امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه که برای مواقع یا شروع در آن، صورت نگیرد؛ اگر صورت گیرد هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس نامیده شده است.^{۲۲}

با توجه به تعریف مذکور، عمل منافی عفت یک عمل لزوماً با ماهیت جنسی معرفی شده است، اما به نظر می‌رسد که اعمال منافی عفت اعم از اعمال دارای ماهیت جنسی و غیر آن است و محدود کردن این دسته از جرایم به اعمال و رفتارهای صرفاً جنسی صحیح نمی‌باشد، نظر برخی از حقوق‌دانان نیز مؤید همین مطلب است. توضیح اینکه برخی از حقوق‌دانان اعمال منافی عفت را به دو قسمت اعمال منافی عفت عمومی و خصوصی تقسیم نموده‌اند. به اعتقاد آنان اعمال منافی عفت عمومی، اعمالی هستند که «عفت عمومی» جامعه را مورد خدشه قرار می‌دهند و شامل هرگونه رفتار و عمل خلاف «اخلاق عمومی»

می‌شوند. از مصادیق این‌گونه اعمال می‌توان به ماده ۶۴۰ قانون مجازات افغانستان موسوم به کود جزا اشاره کرد. بنابراین براساس آنچه گفته شد، اعمال منافی عفت اعم از جرایم جنسی و سایر انحرافات است که به گونه‌ای عفت عمومی و اخلاق حسنه را خدشه‌دار می‌سازند. به عبارت دیگر، هر جرم جنسی و به تبع آن هر تعرض جنسی، یک عمل منافی عفت است، لیکن هر عمل منافی عفت، لزوماً یک جرم جنسی نیست.

مصادیق جدید روابط نامشروع غیر از زنا

بعد از مشخص شدن معانی روابط نامشروع، مصادیق جدید روابط نامشروع غیر از زنا را بیان می‌نماییم، البته با توجه به اینکه مصادیق روابط نامشروع تمثیلی هستند، نه حصری. مصادیق و حصر عناوین فعل حرام بسیار است، در حالی که در مواد قوانین ایران و افغانستان هیچ حصری برای عمل حرام یا مصادیق فعل حرام صورت نگرفته است.

۱) پورنوگرافی (هرزه نگاری)

پورنوگرافی یا هرزه نگاری، تجسم و نمایش بی‌برده از رفتار جنسی با هدف هیجان، تحریک یا ارضای جنسی است که در قالبهای مختلف از جمله: کتاب، عکس، مجسمه، متن، نقاشی، فیلم، بازی و مجله ارائه می‌شود.^{۲۳} هرزه نگاری متنی است که در آن بر فعالیتهای جنسی بسیار تأکید می‌شود، به طوری که ممکن است به برانگیختن هیجانانگیز جنسی بیانجامد.^{۲۴} تلاشهای مستمر کشورهای غربی برای جایگزینی فرهنگ غرب در جوامع اسلامی از یک سو، و گسترش و بهبود رسانه‌های صوتی، تصویری، اینترنت و سایر موارد از سوی دیگر، در گسترش و شکوفایی پورنوگرافی، نقش مهمی داشته است که اگر جلوی آن گرفته نشود، برای جوانان و نوجوانان

۲۳. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، ذیل واژه «هرزه نگاری».

۲۴. فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، ص ۲۵۳.

۲۲. تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان، صص ۳۹ و ۴۰.

بحران ایجاد خواهد کرد.

۲) روسپی‌گری

یکی از مصادیق جرم جریحه‌دار کردن عفت عمومی روسپی‌گری است. این مسئله از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که این مجرمان در ملأعام مرتکب جرم شده و مجرمان را به سوی خود جلب می‌کنند یا سبب انحراف و آلودگی دیگر طبقات جامعه به‌خصوص طبقه جوان می‌شوند. زنی را که دچار این عمل (فحشا) می‌شود، روسپی یا فاحشه می‌گویند.

عموماً کمبود محبت، نبود امکانات مالی، فرار از خانه و سوء استفاده قرار گرفتن توسط مردان هوس باز، از عوامل مهم روسپی‌گری هستند. از دیدگاه اجتماع، روسپیان زنانی هرزه هستند که برای جوانان خطر روانی دارند. فاحشه‌ها عموماً در روسپی‌خانه‌ها به سر می‌برند که محیطی جرم‌زا است و مجرمان را به خود جلب کرده و موجب فساد می‌گردد. روسپی‌گری را می‌توان نوعی از قوادی هم نامید.^{۲۵}

۳) نگاه شهوت‌آلود و آزار دهنده

اگر افرادی با قصد مجرمانه و سوء نیت هریک از اعضا و جوارح خود را به‌کار گیرند، در این صورت، عنصر مادی در کنار عنصر معنوی جرم محقق می‌شود. در تعالیم اسلامی، برای هریک از اعضای بدن انسان حق و مسئولیت و همچنین جرم و معصیتی در نظر گرفته شده است. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛^{۲۶} «از چیزی دنباله‌روی مکن که از آن ناآگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضای دیگر انجام می‌دهند) مورد پرس‌وجوی از آن قرار می‌گیرد».

در پایان آیه بیان می‌شود که چشم و گوش و دل همگی مسئولند و در برابر کارهایی که انجام داده‌اند،

از آنها سؤال می‌شود: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». این مسئولیتها به خاطر آن است که سخنانی را که انسان بدون علم و یقین می‌گوید، یا از افراد غیرموثق شنیده، یا می‌گوید دیده‌ام در حالی که ندیده، و یا در تفکر خود دچار قضاوت‌های بی‌مأخذ و پایه‌ای شده که با واقعیت منطبق نبوده است، به همین دلیل از چشم و گوش و فکر و عقل او سؤال می‌شود که آیا واقعاً شما به این مسائل ایمان داشتید که شهادت دادید، یا قضاوت کردید، یا به آن معتقد شدید و عمل خود را بر آن منطبق نمودید؟! گرچه بعضی از مفسران گفته‌اند که منظور از سؤال کردن از این اعضا سؤال از صاحبان آنها است، ولی با توجه به اینکه قرآن در آیات دیگر (مانند آیه ۲۱ فصلت) تصریح می‌کند که روز قیامت، اعضای پیکر انسان و حتی پوست تشش به سخن می‌آیند و حقایق را بازگو می‌کنند، هیچ دلیلی ندارد که ما ظاهر آیه را رها سازیم و نگوییم از خود این اعضا سؤال می‌شود. اما اینکه چرا از میان حواس انسان، تنها به چشم و گوش اشاره شده است، دلیلش روشن است؛ زیرا معلومات حسی انسان، غالباً از این دو طریق حاصل می‌شود و بقیه تحت الشعاع آنها هستند.^{۲۷} در این مورد پیامبر(ص) می‌فرماید: «كُنْتُ عَلَى ابْنِ آدَمَ نَصِيْبُهُ مِنَ الزَّيْنِ مُدْرِكٌ ذَلِكَ لَا مَحَالَةَ، فَالْعَيْنَانِ زَانَاهُمَا النَّظْرُ، وَالْأُذُنَانِ زَانَاهُمَا السَّمْعُ، وَاللِّسَانُ زَانَاهُ الْكَلَامُ، وَالْيَدُ زَانَاهَا الْبَطْشُ، وَالرَّجُلُ زَانَاهَا الْخَطْيُ، وَالْقَلْبُ يَهْوَى وَيَتَمَنَّى وَيُصَدِّقُ ذَلِكَ الْفَرْجَ وَيُكْذِبُهُ».^{۲۸}

۴) پیامک دادن و چت کردن

با این همه درگیر شدن کوچک و بزرگ، زن و مرد، و پیر و جوان، با شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، بدیهی است که ارتکاب جرم نیز در آن و از طریق آن، روز به روز در حال زیاد شدن باشد. یکی از معضلات که واقعاً در این عصر بنیان و کیان

۲۷. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱۷.

۲۸. المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

۲۵. انحرافات جنسی، ص ۳۱۵.

۲۶. اسراء، ۳۶.





خانواده‌های جوامع اسلامی را سخت تهدید می‌کند، رابطه نامشروع و خیانت از طریق شبکه‌های مجازی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد این شبکه‌ها خیانت را برای استفاده‌کنندگان به گونه‌ای آماده ساخته‌اند که همگی به سادگی می‌توانند از آن استفاده کنند. پیامک دادن به جنس مخالف (مرد به زن، و زن به مرد)، در حدی که ضرورتها رفع شود، مشکلی ندارد، چنانچه مؤید آن، این قاعده فقهی است: «الضرورات تقدر بقدرها»^{۲۹} و نباید از آن حد تعدی کرد؛ چون آیات قرآن کریم و روایات متعدد، انسان را از مقدماتی که باعث تحریک انسانها به ارتکاب گناه می‌شود و نیز آنچه که آدمی را به مقدمات زنا نزدیک می‌کند، نهی کرده‌اند. در صورت مستدام بودن پیامها، ممکن است موارد ذیل اتفاق بیافتد: ۱- یک نوع علاقه و شیفتگی به وجود می‌آید که ممکن است به سادگی قابل جدا شدن نباشد. ۲- ممکن است این پیامها که در ابتدا عادی محسوب می‌شود، تبدیل به تماس تلفنی و بعد ملاقات حضوری شود. حتی در برخی از نرم‌افزارهای اینترنتی مانند ویجت، فیس بوک، تلگرام، واتس‌آپ، وایبر، ایمو، نیمباز، لاین، لایف، چت اون، اسکایپ، یاهو و غیره، علاوه بر چت و تبادل عکسها و نوشته‌ها و مطالب خصوصی، خود را در معرض دیگران قرار می‌دهند، اینها همه مصداق نامشروع بودن است.

۵) اختلاط

اختلاط در لغت به معنی درهم آمیختگی آمده است.^{۳۰} شبیه این معنا در سایر کتب لغت نیز ذکر شده است. چنانچه در قاموس قرآن، به معنی امتزاج و آمیخته شدن آمده است.^{۳۱} اختلاط در اصطلاح فقهی، همانا درهم آمیختگی زن و مرد در مکان و زمان مشخص است که میان آنها روابط خویشاوندی و محرمیت وجود نداشته باشد. اسلام اختلاط زن و مرد را بدون ضرورت مکروه و زشت می‌شمارد، خلوت زن و مرد

را حرام قلمداد می‌کند و از بی‌حجابی و خودنمایی نهی می‌نماید.^{۳۲} در صحیح بخاری و صحیح مسلم به نقل از عایشه (رض) آمده است: زنان مؤمن در نماز صبح حاضر می‌شدند و با پیامبر (ص) نماز را بجا می‌آوردند و سپس برمی‌گشتند، در حالی که چادرهای خود را بر خویشان می‌انداختند و به سبب تاریکی شناخته نمی‌شدند.^{۳۳} می‌توان گفت: اختلاط بی‌قید و شرط و بی‌حد و مرز همانا سبب دوستی میان دو جنس مخالف می‌شود، همچنین سرچشمه تمام حرکات هوس‌انگیز و نگاههای محرک‌آمیز همین اختلاط است.

حیا و عفت در هر فردی، یک غریزه و فطرت الهی است که او را از فساد و شهوات حفظ می‌کند. بزرگ‌ترین وسیله برای بی‌حیا و بی‌آبرو کردن افراد، محیط فاسد است. آن مرز طبیعی که بین مرد و زن وجود دارد، با تشکیل مجالس مختلط و فسادانگیز شکسته می‌شود. اینها انسان را از قلعه امن و آسایش عفت و حیا خارج می‌کند و به میدان هرزگی و فساد و رنج وارد می‌سازد. انسانی که خداوند به او جامه حیا و عفت داده و هر نوع پوشاکی را برایش فراهم ساخته است، نباید لخت و عریان میان خیابان سرگردان باشد. نباید جوانان و دوشیزگان در اثر اختلاط بی‌عفت و بی‌حیا شده، در نتیجه به فساد مبتلا شوند.^{۳۴} دین مقدس اسلام اختلاط زن و مرد و هر چیزی را که برانگیزاننده شهوت و غریزه جنسی نامشروع باشد، یا انسان را به فحشا بکشاند، منع نموده و حرام کرده است، تا از این راه، عوامل ضعف و سستی و انحلال در خانه و خانواده راه نیابد.^{۳۵}

تا وقتی که محیط را شهوت و غرایز حیوانی احاطه کرده و در هر طرف وسایل تحریک و فریفتگی مانند عکسهای برهنه، موسیقیهای هیجان‌انگیز، فیلمهای

۳۲. فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۶۶.

۳۳. همان، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳۴. تائیشی از قرآن، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳۵. ترجمه فارسی صحیح فقه السنه، ج ۵، ص ۴۴.

۲۹. قواعد کلیه فقهی، ص ۱۰۱.

۳۰. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، ج ۴، ص ۲۱۴.

۳۱. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۸۲.

تحریک‌انگیز، رقصهای فریبنده، منظره‌های جذاب و آرایشهای دلفریب، و نیز اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط بین دو جنس مخالف فراهم باشد، خود آنان و نسل آینده نمی‌توانند در میان این تحریک و هیجان‌ات به فضایی آرام، متعادل و سالم که برای تربیت و تقویت قوای عقلی و فکری ضروری است، دست یابند. آنان که هنوز به کمال بلوغ و جوانی نرسیده‌اند، غول شهوت و دیو سیاه‌غریزه شیطنانی بر ایشان غلبه می‌کند و آنان را مانند برده و غلام تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آنان ناخودآگاه به پای غول می‌افتند و هرگز قدرت رهایی از چنگال او را نمی‌یابند.^{۳۶} صالح فوزان در کتاب/ احکام ویژه بانوان هر نوع اختلاط مردان و زنان نامحرم را که سبب پدیدار شدن فساد و فتنه در جامعه می‌شود، کاملاً حرام دانسته است.^{۳۷}

۶) همجنس‌بازی

واژه همجنس‌بازی به معنای شخص علاقه‌مند به برقراری رابطه جنسی با همجنس خود است که این نیز یک نوع رابطه نامشروع می‌باشد. همجنس‌بازی، انحراف جنسی ناشی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است که در فردی که فطرتاً همجنس‌گرا نیست، ظهور می‌کند. به‌طور مثال در شرایط فشار و سخت‌گیری در مورد مسائل جزئی جنسیتی، افراد به ناچار و به علت دسترسی بهتر به همجنسان خود، برای ارضای غرایز جنسی به همجنس‌بازی روی می‌آورند. اگر این شرایط ادامه پیدا کند، فرد به این شرایط عادت کرده و فطرت اصلی جنسی‌اش که همانا تمایل به جنس مخالف است، به مرور زمان ضعیف می‌شود و به غلط تصور می‌گردد که این فرد همجنس‌گرا است. پس در شرایط بی‌بند و باری جنسی، همجنس‌بازی نیز بسیار مشاهده شده است. فرد در این شرایط به دلیل غوطه‌ور شدن در مسائل جنسی، دچار یک نوع تنوع طلبی بیمارگونه می‌شود و به انحرافات جنسی

می‌افتد.^{۳۸}

۷) همجنس‌گرایی

کلمه همجنس‌گرا از دو قسمت «همجنس» و «گرا» تشکیل شده است. همجنس به معنای دو شیء است که از یک شیء ساخته شده باشند یا دو کسی که دارای صفات روحی یکسان باشند. کلمه «گرا» مخفف گرایش به معنی تمایل، میل و رغبت می‌باشد. امروزه در فرهنگهای لغت جدید، همجنس‌گرا به عنوان معادل کلمه انگلیسی هموسکسوال به کار رفته است.^{۳۹} تعریف اصطلاحی این واژه، این‌گونه بیان شده است: همجنس‌گرایی به جاذبه عاطفی یا جنسی بین اعضای یک جنسیت گفته می‌شود. همچنین گفته شده که همجنس‌گرایی یک کشش و گرایش فطری است که در نهاد (فریاد این بخش را لذت معرفی می‌کند) فرد متمرکز است و حاکی از یک عشق و گرایش باطنی به جنس موافق است.

۸) هرزه‌گویی تلفنی

یکی از مصادیق جرم جریحه‌دار کردن عفت عمومی، هرزه‌گویی تلفنی است که قانون جزای افغانستان در ماده ۶۹۲، این عمل را تحت عنوان آزار و اذیت زن به وسیله گفتار و حرکات نوشته و یا خواسته‌های نامشروع که موجب صدمه به شخصیت و کرامت زن گردد، یاد نموده است. هرزه‌گویی تلفنی عبارت از التذاذ یا لذت بردن به وسیله تلفن کردن به دیگری (جنس مخالف)، و استعمال حرفهای زشت و قبیح، و نیز گاهی پیشنهاد ملاقات و ایجاد رابطه جنسی با تلفن‌کننده است. ممکن است اکنون این عمل از طریق موبایل و اینترنت وجود داشته باشد، البته شیوع آن در مردان نسبت به زنان بیشتر دیده می‌شود، گاهی هم یک‌طرفه است. بعضی اوقات مردان و زنانی که با یکدیگر رابطه دوستی دارند، به دلیل مشغله کاری و نبود دسترسی همیشگی به انجام عمل جنسی با

۳۸. فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی انگلیسی - فارسی.

۳۹. از جمله رک: همان.

۳۶. حجاب، ص ۳۴.

۳۷. احکام ویژه بانوان، صص ۵۵ و ۵۶.





یکدیگر، با برقراری رابطه تلفنی و استفاده از الفاظ رکیک جنسی، به خود ارضایی می‌پردازند.^{۴۰}

۹) مالش‌گری جنسی

لذت جنسی حاصل از مالیدن یا فشار دادن خود به جنس مخالف از روی لباس که نوعی انحراف جنسی می‌باشد، مالش‌گری جنسی نامیده می‌شود. پس مالش‌گری جنسی عبارت است از لمس اندام یا مالیدن بدن خود به بدن دیگری بدون رضایت شخص. این انحراف خاص جنس مذکر می‌باشد و بیشتر در اتوبوسها، کوچه و خیابانهای شلوغ، اماکن عمومی و گردشگاهها دیده می‌شود. از آنجا که در اماکن شلوغ امکان فرار به موقع وجود دارد و نیز به دلیل ازدحام جمعیت ممکن است برخوردهای فیزیکی بین زنان و مردان رخ دهد، بسیاری از زنان موضوع را تصادفی قلمداد می‌کنند و یا مجرمان تماس خود را تصادفی قلمداد کرده و از مهلکه می‌گریزند.^{۴۱}

۱۰) مبدل پوشی (پوشیدن لباس جنس مخالف)

یکی از مصادیق جرم جریحه‌دار کردن عفت عمومی، پوشیدن لباس جنس مخالف است که به‌عنوان انحراف جسمی و روانی تلقی می‌شود. در این اختلال شخص منحرف دائم لباسهای جنس مخالف را می‌پوشد و از آن برای تحریک و کسب لذت استفاده می‌کند. تقریباً تمام مبتلایان مرد هستند و ابتلا به این انحراف پس از سن بلوغ شروع می‌شود و همیشه در انظار، اماکن عمومی و معابر مرتکب این جرم می‌شوند. ضرر اخلاقی که عمل آنها به اجتماع وارد می‌سازد، قابل توجه است. بنابراین بی‌توجهی به منحرفان مذکور در زمانهای طولانی، باعث به‌وجود آمدن مسائل داغ اجتماعی مثل تقلید نمودن جوانان از این افراد به‌عنوان پیروی از مُد و استایل خواهد شد.^{۴۲}

۱۱) بچه بازی

بچه بازی طبق حکم ماده ۶۵۳ کود جزا، عبارت از

۴۰. انحرافات جنسی، ص ۲۵۴.

۴۱. حرمت شکنی عفت عمومی و مجازات آن، ص ۵۰.

۴۲. همان، صص ۴۸ و ۴۹.

نگهداری طفل مذکر یا مخنث به منظور لذت بردن جنسی یا انجام دادن یکی از اعمال رقصانیدن، آموزش رقص، برگزاری محفل بچه بازی و شرکت در محفل بچه بازی می‌باشد. مرتکب جرم بچه بازی مطابق احکام مجازات می‌گردد که شامل حبس متوسط و جزای نقدی می‌شود. بچه بازی نیز از نظر شرع مورد مذمت قرار گرفته است. بچه بازی یا عشق ورزیدن به بچه‌های بی‌ریش، نه تنها از دیدگاه اسلام، بلکه از نظر تمام شرایع آسمانی، از جمله گناهان کبیره و فواحش بزرگ است.^{۴۳} همچنین مقدمات زنا از قبیل معاشعه، تفخیز، تقبیل، مضاجعه، مصافحه، معانقه، ملامسه، مکاتبه، مفاکبه، مکالمه، بوسه کردن و نظر کردن به چهره بچه بی‌ریش به شرط آنکه توأم با لذت و شهوت باشد، گناه و حرام است.

کیفر روابط نامشروع غیر از زنا در فقه اسلامی

و حقوق ایران و افغانستان

۱) فقهای اهل سنت

کیفر روابط نامشروع غیر از زنا تعزیر می‌باشد، تعزیر مجموعه‌ای از مجازاتهای غیرمقدر است که از ساده‌ترین و سبک‌ترین نوع مانند نصیحت کردن و بیم دادن شروع می‌شود و شدیدترین نوع آن زندان و شلاق است. حتی در جرایم بزرگ‌تر منتهی به قتل می‌گردد. حاکم یا قاضی می‌تواند از میان آنها مجازاتی را که با جرم، سوابق و روحیات مجرم تناسب دارد، انتخاب کند.^{۴۴} سؤال اینجا است که جرایم روابط نامشروع غیر از زنا را کمتر از حد دانسته‌اند، آیا منظورشان حد زنا است، یا حد قوادی و یا غیر آن؟ فقهای مذاهب اهل سنت در رابطه با جزای تعزیری جرایم روابط نامشروع غیر از زنا، دیدگاههای متفاوتی ارائه نموده‌اند. در ادامه به بررسی دیدگاهها پرداخته می‌شود.

۴۳. حقوق جزای اختصاصی، نذیر، ج ۱، ص ۲۲۱.

۴۴. التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۱.

الف) حنیفه

میان فقهای حنفی در رابطه با جرایم تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا اختلافات نظر وجود دارد. امام ابوحنیفه و محمد شیبانی می‌گویند: حد نهایی جرایم تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، ۳۹ ضربه شلاق است. همچنین می‌گویند: منظور از لفظ «حدود» که در حدیث ذکر شده، حد اقل است و چون ۴۰ ضربه شلاق بر شخص برده، یک حد کامل به شمار می‌رود، یک ضربه از آن کم و ۳۹ ضربه می‌شود. ابویوسف صرفاً حد را به انسان آزاد منصرف می‌داند و معتقد است کمترین حد که برای انسان آزاد از طرف شارع در نظر گرفته شده، ۸۰ تازیانه است. هرچند قیاس اقتضا می‌کند که تا آخرین حد تعزیر که ۷۹ ضربه تازیانه است، در نظر گرفته شود، لیکن به تبعیت از امام علی بن ابی‌طالب (ع) که آخرین میزان تعزیر را ۷۵ ضربه شلاق می‌داند، با پنج ضربه کمتر از آخرین مجازات حد انسانهای آزاد، حد اکثر تعزیر را ۷۵ ضربه قرار داده است.^{۴۵}

ب) شافعیه

میان فقهای شافعی در مورد جرایم تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، سه دیدگاه وجود دارد: رأی اول با نظر امام ابوحنیفه و محمد شیبانی یکسان است؛ یعنی کیفر روابط نامشروع غیر از زنا، ۳۹ ضربه شلاق است. رأی دوم با نظر ابویوسف همسان است؛ یعنی کیفر روابط نامشروع غیر از زنا، ۷۵ ضربه شلاق است. در رأی سوم، کیفر روابط نامشروع غیر از زنا را حد فاصل ۷۵ تا ۱۰۰ ضربه شلاق می‌دانند، به شرط اینکه هر جرمی با مجازات همان جرم از نوع حدی آن مقایسه شود. مثلاً تعزیر مجرم سبب ارتکاب معصیت، نباید به اندازه مجازات همان معصیت باشد که به مرحله حد رسیده است. پس تعزیر روابط نامشروع غیر از زنا از قبیل تماس بدنی و نگاه کردن به نامحرم نباید به حد زنا برسد و تعزیر فحاشی کمتر

از حد قذف است.^{۴۶}

ج) مالکیه

رأی مشهور مالکیه آن است که تعیین میزان نهایی تازیانه به ولی امر موکول می‌شود؛ زیرا تعزیر با توجه به مصلحت و میزان جرم در نظر گرفته می‌شود، بنابراین نظر حکومت و دولت، معتبر است. پس حتی ممکن است که برای مجرمان بیش از ۱۰۰ ضربه شلاق، با توجه به نوع جرم در نظر گرفته شود، در حالی که در جرایم حدود بیش از ۱۰۰ ضربه شلاق وجود ندارد.^{۴۷} پس در مذهب مالکی، معیار مشخصی برای جرایم تعزیری روابط نامشروع و عمل منافی عفت وجود ندارد؛ چون از یک سو جرایم روابط نامشروع غیر از زنا حصری نیست و از سوی دیگر با توجه به نوع و حالت جرم و مجرم و شرایط زمانی و مکانی متفاوت می‌باشد.

د) حنابله

در مذهب حنبلی آراء متعدد و متفاوت بیان شده است. در میان آراء مختلف، سه رأی با شافعیه که قبلاً بیان شد، هم نظر است، و دو رأی دیگر نیز ذکر شده است:

۱- صحیح نیست که شلاق تعزیری هر جرمی به میزان حدی که برای آن جرم مقرر شده است، بالغ گردد، ولی ممکن است که از میزان حد همان جرم از جنس دیگر افزون گردد. پس مجازات خلوت کردن، مباشرت، بوسیدن و غیره از مقدمات زنا چنانچه مجرم غیرمحصن باشد، نباید بالغ بر ۱۰۰ تازیانه گردد، تا مجازات او به میزان حد نرسد. اما اگر مجرم محصن باشد، ممکن است به بیش از ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم گردد؛ زیرا حد زانی محصن رجم است و هر قدر که تعداد تازیانه بالا باشد، به حد رجم بالغ نمی‌شود.

۲- تعزیر روابط نامشروع غیر از زنا نباید از ۱۰

۴۶. همان.

۴۷. مواهب الجلیل، ج ۶، ص ۲۱۹.

۴۵. همان، ج ۲، ص ۸۶.





ضربه بیشتر گردد.^{۴۸} مستند این گروه روایت ابوپردۀ انصاری از پیامبر(ص) است که فرمود: «لَا يُجْلَدُ أَحَدٌ فَوْقَ عَشْرَةِ أَسْوَاطٍ، إِلَّا فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ»؛^{۴۹} «هیچ کسی به بیش از ۱۰ ضربه شلاق محکوم نمی‌شود، مگر در حدود الهی».

۲) فقهای امامیه

تعزیر هر فعل حرامی یا ترک واجبی به عهده امام است که میزان آن با توجه به حد کامل، کمتر از حد است.^{۵۰} حاکم یا قاضی با توجه به شرایط مکانی و زمانی، می‌تواند جزایهای دیگری همچون حبس، پول نقد و غیره را در نظر گیرد. البته با در نظر داشتن اینکه حد زنای غیرمحصن ۱۰۰ تازیانه می‌باشد، و نیز براساس روایات، حد قoadی ۷۵ تازیانه است، چنانچه از امام صادق(ع) درباره قواد پرسیده شد که حد قواد چه اندازه است؟ ایشان در جواب فرمود: سه چهارم حد زنا بر او زده می‌شود که همانا ۷۵ ضربه تازیانه است و نیز مسئله تبعید را یادآوری می‌نماید.^{۵۱} قول اول: قول فقهای برجسته امامیه است. شیخ مفید می‌گوید: جزای تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، از ۱۰ ضربه شلاق شروع و به ۹۹ ضربه شلاق ختم می‌شود.^{۵۲} شیخ طوسی هم بر این نظر است که جزای تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، ۹۹ ضربه شلاق است.^{۵۳} همچنین ابن‌ادریس معتقد است جزای تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، کمتر از ۱۰۰ ضربه شلاق است.^{۵۴} به همین ترتیب ابوالصلاح حلبی نیز جزای تعزیری روابط نامشروع و عمل منافی عفت را کمتر از حد زنا دانسته است.^{۵۵} این نظر، مورد اجماع فقهای امامیه قرار گرفته و به

حدیثی استناد نموده‌اند که امام صادق(ع) فرمود: «اذا وجد الرجل و المرأة في لحاف واحد جلد مائة».^{۵۶} در این روایت از «جلد مائة» یاد شده که منظور از جلد، کمتر از حد می‌باشد.

قول دوم: این قول که نظر مشهور هم گفته می‌شود، جزای جرایم تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا را از ۳۰ ضربه شلاق جایز دانسته و معتقد است تا ۹۹ ضربه شلاق هم می‌رسد.^{۵۷} بنابراین فقهای امامیه در مورد جزای تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا، در هر دو قول معیار حد زنا را قرار داده و کمتر از آن را برای جرایم رابطه نامشروع غیر از زنا در نظر گرفته‌اند.

۳) حقوق ایران

در قانون مجازات اسلامی، یکی از مجازاتهای تعزیری مهم شلاق است که میزان آن براساس نظر دادگاه تعیین می‌شود. در جرایم مستلزم تعزیر، حداکثر تعداد شلاق که می‌تواند مورد حکم قرار گیرد، توسط مقنن تعیین می‌شود، به شرط آنکه کمتر از میزان حد باشد، و قاضی می‌تواند به صدور حکم شلاق یا تبدیل آن به جزای نقدی با توجه به نفع متهم مبادرت کند.^{۵۸} چنانچه گذشت، حد قیادت ۷۵ ضربه شلاق بیان شده است، بنابراین تفاوت نمی‌کند که قواد آزاد باشد یا بنده، مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن، در هر صورت همان ۷۵ ضربه شلاق است.^{۵۹} در حالی که جزای تعزیری جرایم روابط نامشروع غیر از زنا، نظر به زمان و مکان و نوع گناه و نیز حالت مرتکب شونده آن، تفاوت می‌کند، اما همیشه از بالاترین حد شرعی که ۱۰۰ تازیانه است، کمتر می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی ایران نیز با توجه به حالات جرم و مرتکب شونده آن، تعزیر جرایم روابط نامشروع غیر زنا متفاوت بیان شده است.

۵۶. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۸۹.

۵۷. همان، ج ۴۱، ص ۳۸۴.

۵۸. حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، ص ۳۵۹.

۵۹. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۰۰.

۴۸. التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۷.

۴۹. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۳۲.

۵۰. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۶.

۵۱. وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۱۷۰.

۵۲. المقنعة، ص ۷۷۴.

۵۳. الخلاف.

۵۴. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۸۴.

۵۵. الکافی فی الفقه، ص ۴۱۷.

در بعضی از موارد باید تعزیر از پایین‌ترین مرتبه حد شرعی (۷۵)، کمتر باشد. چنانچه در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بیان شده است: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، یا در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد».

در مواردی که جرایم تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا با جرایم حد شرعی مانند زنا و قذف تناسب دارد، باید کمتر از حد آن باشد. مانند بوسیدن یا عملی به جز آمیزش با زن اجنبی که با زنا تناسب دارد، یا ناسزاگویی که با قذف تناسب دارد. چنانچه در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت وجود نداشته باشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می‌شوند». پس با توجه به مطالب فوق، بی‌می‌بریم که قانون مجازات اسلامی به تبعیت از احکام و اصول دین مقدس اسلام، جزای تعزیری روابط نامشروع غیر از زنا را کمتر از حد زنا و قواد دانسته؛ یعنی معیار را حد زنا و قواد در نظر گرفته است.

۴) حقوق افغانستان

قانون مجازات اسلامی افغانستان موسوم به کود جزا، با احکام و اصول دین مقدس اسلام مطابقت دارد، مؤید آن، بند اول ماده دوم کود جزا می‌باشد که تصریح می‌دارد: این قانون جرایم و جزای تعزیری را تنظیم می‌نماید. هرچند کود جزای افغانستان به بحث درباره جزای تعزیری پرداخته، اما کیفر جرایم روابط نامشروع غیر از زنا را مقرر ننموده و نیز در عموم جزای تعزیری از شلاق و تازیانه نام نبرده است. بلکه برای هر جرم با توجه به اوضاع و احوال، شرایط زمانی و مکانی، و حتی توان مالی مجرم، جزای

تعزیری متفاوت در نظر گرفته است. از مجموع مواد آن می‌توان چنین برداشت نمود: جزای تعزیری جرایم روابط نامشروع غیر از زنا، حبس متوسط، حبس قصیر و جزای نقدی می‌باشند. در اجرای جزای تعزیری نیز احوال، شرایط زمانی و مکانی، و توان مالی شخص در نظر گرفته می‌شود. در کود جزای افغانستان نیز آمده است که هرگاه مرد و زنی که میان آن دو علقه زوجیت وجود نداشته باشد، عمل منافی عفت (غیر از زنا) از قبیل تقبیل، مضاجعه، معانقه و معاشقه انجام دهند، عمل آنها در ردیف رابطه نامشروع شمرده شده و مرتکبان آن تا ۹۹ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. هرگونه ارتباط دوطرفه میان مرد و زن نامحرم به قصد لذت بردن جنسی و بدون هرگونه تماس جنسی رابطه نامشروع است و مرتکبان آن مورد پیگرد قانون قرار خواهند گرفت. چنانچه ماده ۶۴۰ کود جزای افغانستان بیان می‌دارد: «شخصی که مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به دخول در قُبُل یا دُبُر نگردد، بلکه منجر به تفخیز، مساحقه، یا تماس جنسی گردد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد». در ماده ۸۹۸ نیز در مورد پورنوگرافی آمده است: «الف- شخصی که یکی از اعمال ذیل را انجام دهد، مرتکب جرم پورنوگرافی گردیده، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از ۶۰ هزار تا ۱۲۰ هزار افغانی، محکوم می‌گردد: ۱) تولید پورنوگرافی برای خود یا دیگری یا به منظور نشر در فضای سایبر. ۲) پیشکش کردن یا فراهم ساختن پورنوگرافی از طریق فضای سایبر. ۳) پخش یا نشر پورنوگرافی در فضای سایبر. ۴) نگهداری پورنوگرافی در سیستم کامپیوتری یا در وسیله ذخیره سازی معلومات. ب- با در نظر داشتن فقره (الف) این ماده پورنوگرافی عبارت از وسایل پورنوگرافیکی است که شخص یا اشیا ذیل را قابل رویت می‌سازد: ۱) شخص در حالت عمل جنسی آشکار. ۲) تصاویر واقعی نمایش دهنده شخص در حالت عمل جنسی





آشکار. ۳) با در نظر داشتن فقره (۱) این ماده نشر عبارت از توزیع، پخش، ارائه، نمایش، تبادل، خرید، فروش یا عرضه برای فروش یا عرضه به هر طریق دیگری می‌باشد. ۴) هرگاه هدف از پخش و نشر یورنوگرافی، ترغیب طفل به فعالیت‌های جنسی باشد، مرتکب به حداکثر مجازات مندرج این ماده، محکوم می‌گردد».

نتیجه‌گیری

۱. عنوان رابطه نامشروع غیر از زنا، در فقه مذاهب اسلامی وجود ندارد و نیز مصادیق آن، با توجه به تعاریفی که در عصر کنونی از جرم رابطه نامشروع و حصری نبودن آن به دست می‌آید، در کتب فقهی دیده نمی‌شود. البته این عنوان عام در فقه نبوده، بلکه ذیل عناوین خاص گفته می‌شود. ممکن است که استمتاع به مادون فرج معادل واژه بالا باشد.

۲. در قوانین جزایی ایران و افغانستان، تعریف مشخصی از رابطه نامشروع غیر از زنا، ارائه نشده، اما بعضی از مصادیق روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا ذکر شده است، از قبیل تقبیل، مضاجعه، مصافحه، معانقه، جریحه‌دار کردن عفت عمومی، هتک حرمت و غیره. از آنجا که مصادیق تمثیلی هستند، نه حصری، بنابراین موارد دیگری نیز وجود دارد که در این قوانین به آنها اشاره نشده است.

۳. رابطه نامشروع غیر از زنا و عمل منافی عفت، چه از نظر شرعی، چه از نظر قانونی و چه از نظر اخلاقی و عرفی به شدت مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است و با مرتکبان آنها برخورد شرعی و قانونی صورت می‌گیرد. مجازات اعمال نامشروع غیر از زنا، تعزیر است و متناسب با جرم و شخصیت مجرم تعیین می‌گردد و میزان آن را اکثر فقهای مذاهب اسلامی کمتر از حد می‌دانند.

۴. فقهای اهل سنت در میزان و مقدار تعزیر اختلاف نظر دارند. برخی ۳۹ ضربه، برخی ۷۵ ضربه و برخی

دیگر حد فاصل ۷۵ تا ۱۰۰ ضربه شلاق می‌دانند. نظر اول و دوم میان فقهای حنفی، شافعی و حنبلی مشترک بوده، اما نظر سوم مختص شافعیه و حنابله است. البته حنابله آراء دیگری نیز بیان کرده‌اند، از جمله: ۱- شلاق تعزیری هر جرمی نباید به میزان حدی که برای آن جرم مقرر شده است، بالغ گردد، ولی ممکن است که از میزان حد همان جرم از جنس دیگر افزون گردد. ۲- تعزیر روابط نامشروع غیر از زنا نباید از ۱۰ ضربه بیشتر گردد. رأی مشهور مالکیه این است که تعیین میزان نهایی تعزیر بر عهده ولی‌امر می‌باشد و چه بسا مجرم به بیش از ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم گردد. فقهای امامیه نیز اقوال مختلفی در مورد مقدار و میزان تعزیر بیان کرده‌اند، چنانچه برخی مقدار تعزیر را کمتر از حد شرعی می‌دانند و مشهور امامیه، میزان تعزیر را از ۳۰ تا ۹۹ ضربه شلاق دانسته‌اند. بنابراین از نظر فقهای امامیه تعزیر هر فعل حرامی یا ترک واجبی به عهده امام است که میزان آن با توجه به حد کامل، کمتر از حد است و ملاک انتخاب تعزیر براساس حد زنا است که کمتر از آن را برای جرایم تعزیری مورد استفاده قرار می‌دهند. با توجه به تعریف تعزیر و دلایلی که مؤید مشخص نبودن مقدار تعزیر است، به نظر می‌رسد اگر به تبعیت از نظر مالکیه تعیین میزان نهایی تعزیر بر عهده ولی‌امر مسلمانان، قضات و محاکم باشد، بهتر خواهد بود.

پیشنهادها

۱. روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا حصری نیست، برخی از عناوین مجرمانه رایج، نه در قوانین سابق ایران و افغانستان، و نه در قوانین موجود قانون مجازات اسلامی ایران و کود جزای افغانستان، مورد توجه و تدقیق قرار نگرفته است. لازم است در مراحل بعدی تجدیدنظر و تحلیل و بررسی قوانین جزایی، به مصادیق جدید روابط نامشروع و عمل منافی عفت نیز پرداخته شود.

۲. در قانون مجازات اسلامی ایران و کود جزای افغانستان، به برخی از جرایم جنسی و عام الشمول پرداخته شده است، مثل مواد ۶۴۰ و ۶۵۴ کود جزا و مواد ۶۳۷ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی. لازم است مصادیق عمل مجرمانه به طور روشن و دقیق احصا شود، تا مجازات تعیین شده منطبق و متناسب با فعل مجرم باشد.

۳. دین مقدس اسلام یگانه راه پاسخ‌گویی به غریزه جنسی را نکاح دانسته و در این امر محدودیتی ایجاد نموده است. بنابراین دولت‌مداران در قبال ایجاد ممنوعیت و محدودیت بر رفتارهای جنسی، با برنامه‌ریزی دقیق زمینه لازم را برای نکاح فراهم نمایند.

۴. با توجه به اشکال جدید جرایم جنسی و منافی عفت و اخلاق عمومی، بسیاری از خلأهای قانونی وجود دارد که تنها در حیطه قانونی عام الشمول قرار گرفته و مجازات آن مواد برای جلوگیری از اعمال

ارتكابی ایشان کافی نیست و لازم است در این عنوان، مجازاتها و جرایم مربوطه تبیین گردیده و قوانین مناسب وضع گردد، تا دارای ضمانت اجرای کیفری مناسب باشد، مانند:

(الف) دوستیهای غیرمشروع دختر و پسر بدون اطلاع خانواده‌ها یا خلوت کردن زن و مرد نامحرم.

(ب) انتشار تصاویر و فیلمهای مستهجن یا ساخت و تهیه آنها در شبکه‌های اطلاع‌رسانی و سینماها.

(ج) اغفال کردن جوانان به‌خصوص دختران برای ارتکاب اعمال منافی عفت از طریق رسانه‌ها و سایتهای اینترنتی.

(د) ایجاد آلودگیهای صوتی از طریق پخش نوارهای مبتذل با صدای بلند در اماکن عمومی یا ایجاد صداهاى ناهنجار.

(ه) استفاده از پوشش و آرایش خلاف عفت عمومی و بی‌حجابی و بدحجابی توسط زنان و مردان.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- الإحسان فی تقریب صحیح ابن‌حبان، محمد بن حبان بستى، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ق.
- احکام ویژه بانوان، صالح فوزان، ترجمه اسحاق دبیری، در: سایت کتابخانه عقیده، ۱۳۹۴ش.
- اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، مرتضی مطهری، قم، صدرا، بی‌تا.
- ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، عبدالرسول دیانی، تهران، تندیس، ۱۳۸۷ش.
- اصول فقه کاربردی، مصطفی ابراهیم زلمی، ترجمه احمد نعمتی، تهران، احسان، ۱۳۹۴ش.
- انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)، امیر شریفی خضارتی، تهران، اندیشه عصر، ۱۳۸۸ش.
- تابشی از قرآن، سید ابوالفضل ابن‌الرضا برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ترجمه فارسی صحیح فقه السنه، ابومالک کمال بن السید سالم، ترجمه علی آقا صالحی، تهران، احسان، ۱۳۹۷ش.
- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
- التشریح الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، عبدالقادر عوده، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان، علیرضا نوبهاری طهرانی، تهران، مجد، ۱۳۹۳ش.
- تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه جمعی از مترجمان، قم، بنیاد علمی و فکری علامه





- طباطبایی، تهران، رجاء؛ امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- تفسیر معارف القرآن، محمدشفیع عثمانی، ترجمه محمدیوسف حسین پور، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۷ش.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۶ش.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمدحسن نجفی، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
- حجاب، سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه نعمت الله شهرانی، تهران، احسان، ۱۳۶۹ش.
- حرمت شکنی عفت عمومی و مجازات آن، هادی عظیمی گرگانی و سمیه کریمی، تهران، صبا، ۱۳۹۱ش.
- حقوق بین الملل عمومی، محمدرضا ضیائی بیگدلی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱ش.
- حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، محمد صالح ولیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
- حقوق جزای اختصاصی، ایرج گلدوزیان، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۸ش.
- حقوق جزای اختصاصی، دادمحمد نذیر، کابل، حامد رسالت، ۱۳۹۶ش.
- حقوق کیفری اختصاصی، هوشنگ شامبیاتی، تهران، ژوبین، ۱۳۷۸ش.
- حقوق کیفری اسلام، ابوالحسن محمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
- الخلاف، محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- شرائع الإسلام، جعفر بن حسن محقق حلی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، بیروت، دارإحياء التراث العربی، بی تا.
- فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی انگلیسی - فارسی، نصرت الله پورافکاری، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳ش.
- فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
- فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، محمدرضا اصلانی، تهران، کاروان، ۱۳۸۵ش.
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷ش.
- فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه مصطفی خرم‌دل، تهران، احسان، ۱۳۷۸ش.
- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- قواعد کلیه فقهی، سلطان شاه سلطانی، مزار شریف، ثقافت، ۱۳۹۲ش.
- الکافی فی الفقه، تقی‌الدین بن نجم‌الدین ابوالصلاح حلبی، قم، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.
- مبسوط در ترمینولوژی حقوق، محمدجعفر جعفری لنگرودی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱ش.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- المقنعة، محمد بن محمد مفید، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، یحیی بن شرف نووی، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
- مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، محمد بن محمد خطاب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ناپهنجاری و بزهدکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، علی نجفی توانا، تهران، راه تربیت، ۱۳۸۲ش.